



نجیب باور؛ شاعری که
کتابش را در برابر اسلحه
می فروشد

۳

آزمون دفاع مستقلانه
و نیاز حمایت‌های مردمی

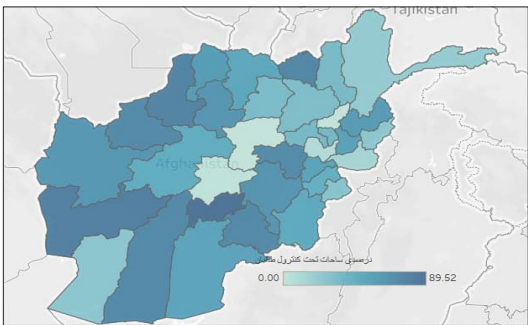


۳

رویداد روز

پولیس ادعای کشته، زخمی و اسیر شدن ده ها طالب مسلح در سرپل و سمنگان را دارد

پولیس ادعا دارد که در ولایت های سرپل و سمنگان، شانزده مخالف مسلح دولت کشته شده، شش تن زخم برداشته و ۲۳ تن آنان اسیر شده اند. طالبان در مورد تلفات افراد شان در سمنگان چیزی نگفته اند؛ اما با رد وارد شدن تلفات به آنان و اسیر شدن افراد خود در سرپل، می گویند که در سرپل، تنها یک طالب در حالت زخمی از سوی نیروهای دولتی بازداشت شده است. نورآغا فیضی سخنگوی قوماندانی امنیه سرپل گفت که طالبان مسلح، صبح دبروز وارد قریه «هوش» ولسوالی بلخاب ولایت سرپل شده بودند و می خواستند حملات تهاجمی را بر ولسوالی انجام دهند. به گفته او در درگیری - که بین نیروهای دولتی و خیزش های مردمی با طالبان در این منطقه رخ داد- یازده طالب کشته و ۲۳ تن آنان اسیر شده اند. وی افزود که قریه های هوش و قم کوتل این ولسوالی، از وجود طالبان تصفیه شده است. همچنان پولیس یک کلیپ ویدیویی را در اختیار رسانه ها داده است که در آن، شماری از افراد دیده می شود و پولیس می گوید که این افراد، طالبان اند که از سوی نیروهای دولتی اسیر شده اند.



۳

رییس جمهور غنی در خوست:

در برابر آنهایی که نظام را از داخل تخریب می کنند از این پس تحمل نداریم

۴



راهبرد بایدن در افغانستان؛ مسوولیت منطقه و فرصت جدید

۴

سرمقاله

دور دوم روزنامه ماندگار

بعد از یک توقف یک و نیم ساله، فعالیت چاپی روزنامه ماندگار از سر گرفته شده است. در این دور، محترم احمدولی مسعود، موسس و صاحب امتیاز قبلی روزنامه ماندگار، حق و امتیاز این روزنامه را به نظری پریانی مدیر مسوول این روزنامه واگذار کرده است و آقای احمدولی مسعود که شخصیت طرفدار عرصه فرهنگ در سیاست است، بعد از این دور روزنامه ماندگار و نزد مخاطبین آن به عنوان موسس و بنیانگذار این روزنامه شناخته می شود. گفتنی است که نقش آقای احمدولی مسعود در تقریباً دوازده سال فعالیت بی وقفه روزنامه ماندگار، به عنوان موسس و صاحب امتیاز و حامی مادی و معنوی این رسانه و در تاریخ کار فرهنگی و روزنامه نگاری کشور نقشی بارز، فوق العاده و تاریخی بوده است که لازم است در فرصتی از آن به درستی یادآوری و قدردانی شود. اکنون روزنامه ماندگار، به عنوان یک روزنامه متعهد به ارزش هایی که در دوازده سال گذشته آن را فریاد زده است، با رویکرد کاملاً آزاد و مجزا از روزه های کوچک گروهی و قومی به عنوان یک رسانه با تجربه،

۲

سقوط ولسوالی ها؛ تسلیمی، بی مسوولیتی یا ناتوانی؟

آزمون دفاع مستقلانه و نیاز حمایت های مردمی



۴



۳

هرات و فرصت هایی که نقش چالش را بازی می کنند

ولایت هرات در غرب افغانستان به دلایل متعددی جایگاه ژئواستراتژیکی و ژئواکانامیکی مهمی دارد. عوامل متعدد دست به دست هم داده و اهمیت این ولایت را متبازر ساخته است، اما به همان اندازه که این ولایت...



۴

نیاز برخورد نظامی دولت با تخریب گران پایه های برق



ماندگار- کابل و شماری از ولایت های همجوار در روزهای اخیر شاهد از دست دادن روشنایی شده و شبها و روزها در بی برقی به سر میبرد. این در حالی است که زنده گی مردم نسبت به گذشته بیشتر به برق وابسته است. اکنون رفتن و آمدن برق در کابل آدم را به یاد روزهای تاریک گذشته می اندازد که مردمان افغانستان آن را تجربه کرده اند. تخریب پایه های برق، روشی است که دشمنان روشنایی و باجگیران و گاهی جنگجویان از آن استفاده می کند. البته تخریب یک پایه برق در جریان جنگ و در ساحات جنگی یک امر عادی است؛ اما درد مردم افغانستان اکنون این است که مردمان باجگیر و استفاده جو بارها پایه های برق را تخریب کرده اند و تاریکی را برای مردم تحفه می دهند. از این رو، تخریب پایه های برق حالا به یک چالش ادامه دار برای دولت افغانستان و شرکت برق این کشور تبدیل شده است...

۳

ماندگار

نرخ اشتراک
روزنامه

مدت	هزینه اشتراک
یک سال	۸۰۰۰ افغانی نهادهای دولتی و خصوصی
شش ماه	۴۰۰۰ افغانی نهادهای دولتی و خصوصی
یک سال	۴۰۰۰ دالر دفاتر و موسسات خارجی
شش ماه	۳۰۰۰ دالر دفاتر و موسسات خارجی

تماس

mandegardaily.com
r.mandegar2021@gmail.com
+93 70 816 98 28

اینجا
برای نشر پیام های شماست...

باما ماندگار شوید!

+93 70 816 98 28

دور دوم روزنامه ماندگار

تاثیرگذار و هدفمند در حمایت از آزادی بیان و دست آوردهای بیست سال اخیر و نیز ارزش‌های بومی و اسلامی جامعه نقش خودش را بازی می‌کند.

روزنامه ماندگار در شرایطی دوباره به فعالیت آغاز می‌کند که با توجه به وضعیت جدید سیاسی و امنیتی در کشور، فضای کار رسانه‌ای هم دارد تنگ‌تر می‌شود و رسانه‌ها با مشکلاتی شدیدی مواجه‌اند. روزنامه‌نگاران این روزنامه، با توجه به حساسیت فضای کنونی در کشور، احساس می‌کنند که جای یک رسانه متفاوت خالی است؛ به همین دلیل، سعی بر آن داریم تا «ماندگار» را به‌عنوان یک رسانه قابل توجه با اتکا به رویکردهای جدید و واقعیت‌های موجود در سطح ملی، بین‌المللی و جهانی، در کشور از نو فعال کنیم. در جهان امروز، رسانه‌های گروهی، از جمله روزنامه‌ها، با انتقال آگهی‌ها و معلومات، در زمینه‌های گوناگون، شرح وقایع گوناگون و مبادله اندیشه‌ها و باورهای عمومی، نقش بزرگی را در عرصه پیش‌رفت جوامع، فرهنگ و تمدن بشری بر دوش گرفته‌اند. تأثیرگذاری رسانه‌ها به‌اندازه‌ی بالا است که دانشمندان عصر کنونی را عصر ارتباطات نامیده‌اند. رسانه‌ها هم‌چنان در نزدیکی افراد و جوامع، نقش بزرگی داشته‌اند؛ زیرا قدرت رسانه‌ها و روزنامه‌ها در شرایطی که فناوری نوین، عرصه کار را دگرگون و متفاوت کرده‌است، در متحول ساختن کارگزاران و جامعه سیاسی، نقش بارزی را ایفا می‌کند؛ در کنار این که رسانه‌ها امروزه جهان ما را به دهکده جهانی مبدل ساخته‌است. بنابراین، توجه به داشتن یک رسانه جدی و متفاوت در فضای سیاسی و آگاهی‌رسانی افغانستان، می‌تواند نقش بارزی در ساختن یک جامعه متفاوت ایفا کند.

ما در کشوری دارای تنوع قومی و هویتی هستیم، بایستی دارای مراجع اطلاع‌رسانی و هدایت‌کننده اندیشه‌ها، به سمت همدلی و وفای ملی و وحدت و یک پارچگی جمعی باشیم با حفظ تنوع باشیم.

زیرا در شرایطی که ما قرار داریم، خطر افتراق بیش‌تر جامعه نیز متصور است و نیز خطر شکل‌یافتن استبداد و فرار آزادی‌ها از این سرزمین متصور است. ما خودمان را مسوول می‌دانیم تا در این شرایط، نقش‌های متعددی را برای دست‌یافتن به صلح در کشور و ختم جنگ ایفا کنیم.

در عین حال ما به‌عنوان یک رسانه می‌توانیم نقش متحد‌کننده را در جامعه بازی کنیم؛ زیرا با توجه به گسست‌های اجتماعی که اکنون شاهد آن هستیم، این مسوولیت رسانه‌ها است تا عرصه‌های پاشیده جامعه را به‌صورت محکم باهم بیافند. در شرایط کنونی تصور می‌کنیم که مردم افغانستان از لحاظ روانی نیز نیاز به اعتماد سازی و آرامش بخشی دارند در کنار آنکه به کوتاهی‌ها و نارسایی‌ها خواهیم رسید و همچنان بلندگوی ماندگاری برای مردم خواهیم بود.

جنگ

طالبان:

در باره نوع در مذاکرات بین‌افغانی

تصمیم‌گیری شود

به دنبال سفر هیأت طالبان به تهران، هیأت دیگری متشکل از مهره‌های سیاسی این گروه به ریاست شیخ شهاب الدین دلاور به روسیه سفر کرده است. در این سفر که به دعوت رسمی روسیه صورت گرفت، طالبان اعلام کردند که چگونگی نظام در پی مذاکرات بین‌افغانی تعیین خواهد شد.

شهاب دلاور طی نشست خبری گفته است: «در باره نظام آینده در بحث مذاکرات بین‌افغانی تصمیم‌گیری خواهد شد. البته امارت اسلامی افغانستان را برای افغان‌ها مفیدتر و محقق‌تر می‌دانیم. این توافق تا حالا صورت نگرفته است.

محمد نعیم، سخن‌گوی دفتر سیاسی طالبان در توییتی گفته است که این گروه در جریان سفرش به مسکو، با ضمیر کابلوف، نماینده‌ی خاص ریس جمهور روسیه برای افغانستان و هیأت همراهش دیدار کرده و روی وضعیت کنونی افغانستان و روند صلح این کشور بحث کرده‌اند.

نمایندگان طالبان در این نشست تأیید کرده‌اند که می‌توانند ظرف دو هفته تمام کشور را تصاحب کنند. و برای حمله به مراکز ولایت‌ها هیچ محدودیتی برای خود قائل نیستند.

خبرگزاری روسیه نیز گزارش داده است که شهاب دلاور در مسکو گفته است که آن‌ها به خاک تاجکستان و مرزهای آسیای میانه حمله نخواهند کرد. آقای دلاور بعد از دیدار با کابلوف اظهار داشته است: «ما به روسیه اطمینان دادیم که تحت هیچ شرایطی به خاک تاجیکستان وارد نمی‌شویم. ما وعده می‌دهیم که گروه تروریستی داعش را در افغانستان نابود کنیم.» این درحالی‌است که پیش‌تر از این، تاجیکستان بیش از ۲۰ هزار نیروی نظامی خود را در امتداد مرز افغانستان مستقر کرده و روسیه هم اعلام نمود که از متحدان خود در آسیای میانه حمایت خواهد کرد.

سفر هیأت طالبان به مسکو در حالی انجام شده است که یک هیأت دیگر این گروه به سرپرستی شیرمحمد عباس ستانکزی روز چهارشنبه هفته‌ی گذشته به ایران رفت.

این هیأت با نمایندگان جمهوری اسلامی افغانستان به سرپرستی محمد یونس قانونی در حضور وزیر خارجه‌ی ایران دیدار کردند و گفت‌وگوی شان دو روز به طول انجامید.

طرفین دیدار با نشر اعلامیه‌ی مشترکی، توافق کردند که جنگ راه‌حل مسأله‌ی افغانستان نیست و باید همه‌ی تلاش‌ها در جهت رسیدن به راه‌حل سیاسی و صلح‌آمیز متمرکز شود.

سقوط ولسوالی‌ها؛ تسلیمی، بی‌مسؤولیتی یا ناتوانی؟

از مسؤولیت و رسالتی که به عهده‌ی شان است، سر باز زده و زمینه‌ی سقوط جغرافیا را به گروه طالبان مهیا می‌سازند.

ناتوانی حکومت مرکزی:

یکی از مؤلفه‌های مهم و اساسی در پیروز شدن جنگ و شکست دشمن، تأمین زنجیره‌ی لوژیستیکی و ضرورت‌های اولیه‌ی انسانی‌است. در هر حالت ممکن، این عرصه توجه جدی و پی‌گیری مضرانه می‌طلبد و باید نهادهای ذیربط در این عرصه فعال باشند. اما؛ متأسفانه شواهد زیادی وجود دارد، مبنی بر این که مراجع ذیربط و ذیصلاح در این عرصه بی‌اراده‌گی از خود نشان دادند و یا هم در برابر این امر مهم ناتوان واقع شدند. این مورد را شخص

رئیس جمهوری نیز اعتراف کرده است. در عین حال به ده‌ها نوار تصویری و صوتی نیروهای امنیتی از گوشه-گوشه‌ی کشور در رسانه‌های جمعی دست به دست می‌شود که حکایت از عدم توجه حکومت مرکزی به وضعیت شان را دارد. سربازانی که یا از گرسنه‌گی به کام مرگ فرو کشانیده می‌شدند و یا هم در محاصره تگ دشمن و در عالمی نبود امکانات و تجهیزات، از حکومت مرکزی و مراجع ذیصلاح توقع توجه داشته‌اند. این نوع برخوردها بدون شک که روحیه‌ی عمومی سربازان و مدافعان کشور را ضرب صفر می‌کند.

از این رو، یکی از عوامل مهمی که در سقوط ولسوالی‌ها نقش بازی کرد، ناتوانی، ضعف و بی‌اراده‌گی مسوولان در نهادهای امنیتی و حکومت مرکزی در برابر میادین جنگ بود و این خود باعث شکست روحیه‌ی جمعی سربازان و منتج به از دست دادن بخشی از جغرافیا می‌گردد. با این وجود، شاید ده‌ها سناریوی دیگر به نسبت سقوط ولسوالی‌ها و تصرف بخشی از جغرافیا توسط گروه طالبان وجود داشته باشد.

اما آنچه که مسلم است اینکه بارها تأکید صورت گرفته است تا حکومت افغانستان باید در شیوه‌ی جنگی خود تجدید نظر و اقدام به ترمیم استراتیژی اش بکند. در استراتیژی دو دهه‌ی اخیر، تعریف دوست و دشمن وضاحت نداشت و با میکانیسم و نوعیت مهار دشمن سلیقوی و فصلی برخورد شد و مواجهه با قضایای جدی امنیتی-نظامی بیشتر با عینک تصمیم‌گیری سیاسی سروکار داشت و ... که در فرجام آن ما اینجا کار ایستاده ایم.



عبدالقادر فقیرزاده

پس از سه روز آتش‌بس به مناسبت عید فطر و بعد از آنکه ایالات متحده‌ی امریکا زمان خروج نیروهایش را از افغانستان اعلام کرد، طالبان شعار کاهش خشونت را با ضریب چند برابر افزایش داده و عملیات گسترده و کم‌سابقه را در برابر حکومت افغانستان با رویکرد جنگی جدید که بیشتر نقاط آسیب‌پذیر، حساس و استراتژیک را تحت تأثیر

قرار می‌داد، در حداقل ۲۵ ولایت کشور به راه انداختند که متأسفانه منتج به سقوط و تصرف ده‌ها ولسوالی و نقاط مختلف جغرافیایی کشور توسط این گروه گردید.

با شدت گرفتن جنگ در سراسر کشور و تسلط گروه طالبان بر ده‌ها ولسوالی، در یک ماه پسین، در حدود ۳۲ هزار خانواده در سراسر کشور مجبور به ترک خانه‌های شان گردیدند. این در حالی است وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث طبیعی از بیجا شدن بیش از ۶۲ هزار خانواده در ۶ ماه پسین خبر می‌دهد. با این وجود که ده‌ها و صدها هزار انسان بی‌سرنیاه، با ده‌ها چالش و دغدغه‌ی زنده‌گی آواره شهرها و مراکز ولایات شدند، خانه‌های شان یا در آتش جنگ سوخت و یا هم‌اکنون به عنوان سنگر دو طرف استفاده می‌گردد.

حکومت افغانستان اما؛ در برابر سقوط ولسوالی‌ها و تصرف بیشتر جغرافیای کشور توسط طالبان در میادین جنگ، به گونه‌ی عقب نشینی می‌کند. باوجود اینکه از لحاظ تعداد، امکانات، تجهیزات و انگیزه‌ی جنگ، نیروهای امنیتی افغانستان ویژه‌گی‌های خاص و مهمی دارند. پرسشی که مطرح است: چرا دستگاه‌های تصمیم‌گیر جنگ و نیروهای امنیتی کشور در برابر تهاجم، سقوط و تصرف ولسوالی‌ها توسط گروه طالبان از خود ضعف نشان می‌دهند؟ کجای کار می‌لنگد؟ آیا پروژه‌ی تسلیمی قسمتی از جغرافیا به گروه طالبان در حال شکل‌گیری است؟ و یا اینکه بی‌مسؤولیتی و ناتوانی نهادهای امنیتی و حکومت مرکزی سناریوی سقوط ولسوالی‌ها و جغرافیای کشور را عینیت می‌بخشد؟ با این حال نیاز است تا به پرسش‌های فوق‌الذکر به پاسخ و توضیحات روشنی دست‌یابیم.

پروژه تسلیم‌دهی:

مفهومی که از تحولات اخیر و الخصوص سرعت سقوط ولسوالی‌ها توسط طالبان حتی بدون جنگ میان دو طرف، در اذهان برخی از نخبه‌گان سیاسی و فکری ایجاد می‌شود، حکایت از سناریوی از پیش تعیین شده دارد مبنی بر اینکه حلقاتی داخل و بیرون نظام با چراغ سبز حایمان منطقه‌ای و جهانی، در سایه‌ی منطق ضعیف، تلاش‌ها بر تسلیم‌دهی برخی جغرافیا به گروه طالبان جریان دارد. همین که برخی از ولسوالی‌ها بدون رویارویی میان دو طرف تسلیم گروه طالبان شدند، اصطلاح -پروژه تسلیم‌دهی- را به واقعیت نزدیک‌تر می‌سازد. هر چند که سخنگوی گروه طالبان در پاسخ به پرسشی؛ نیز مدعی است که تصرف ولسوالی‌ها با توافق با اداره کابل صورت می‌گیرد؛ اما حکومت افغانستان ادعای این گروه را رد می‌کنند.

بی‌مسؤولیتی نهادهای امنیتی:

در کمتر از دو دهه‌ی اخیر، نیروهای امنیتی کشور از جنبه‌های مختلف مورد حمایت جامعه‌ی جهانی و مشاورین نظامی ناتو بودند.

در کمتر از دو دهه‌ی اخیر تمامی عملیات‌ها در برابر هراس‌افگنی با اشتراک مستقیم نیروهای خارجی و اخیراً نیز با مشاوریت نظامیان ناتو صورت می‌گرفت. با تغییر رویکرد جامعه‌ی جهانی به نسبت قضایای افغانستان و با اعلام زمان خروج نیروهای خارجی از کشور، نیروهای رزمی افغان با هراس از این که نتوانند به تنهایی در مقابل دشمن قوی ایستاده‌گی کنند، به بهایی زنده‌ماندن شان

نجیب باور؛ شاعری که کتابش را در برابر اسلحه می‌فروشد

شاخصه مهم جمهوریت، چرخشی‌بودن قدرت به خواست و اراده مردم است



ناظر شهیر

نجیب باور، شاعر جوان افغانستان، اعلان کرده است که تازه‌ترین کتابش را در برابر یک اسلحه به فروش می‌رساند؛ اما بعد از نیافتن پاسخ مثبت گفته که مایوس است و کتاب‌هایش را آتش می‌زنند.

این شاعر حماسی که طرفدارانی در صفحات اجتماعی دارد، اخیراً در پیوند به افزایش حملات طالبان در افغانستان و سقوط برخی ولسوالی‌ها، در صفحه فیسبوکش نوشته بود که تازه ترین کتابش را در بدل اسلحه به فروش می‌رساند؛

او سه روز قبل در صفحه فیسبوکش نوشته بود: از همین حالا اعلام می‌کنم که زمان کار عملی فرا رسیده است. تا امروز هم نوشتن و سرودن را امر معقول در مناسبات اجتماعی می‌دانستم؛ اما از امروز بایست کار عملی کنیم. معامله‌های پنهان قدرت‌های برتر و منطقه نشان‌دهنده‌ی پیچیدگی‌های بسیار است... او نوشته بود که سال‌هاست برای شما مردم با شهامت می‌سرایم. سال‌هاست برای تحقق عدالت اجتماعی مبارزه می‌کنم. سال‌هاست که با هیچ

یک کار عملی حیاتی مساعد است. می‌خواهم در بدل تازه‌ترین کتاب بنده، پول یک اسلحه را بپردازید. این هزار جلد کتاب بایست هزار اسلحه قیمت داشته باشد، ورنه همه‌ی کتاب‌هایم را آتش می‌زنم.

اگفته بود اگر شعر من نتواند این مقدار سلاح را در پشت جبهه‌ی ضد طالب ایستاد کند، دیگر هرگز شعری برای شما نخواهم سرود. من می‌خواهم در برابر طالب در کنار خیزش‌های مردمی و مقاومت دوم ایستاد شوم. اگر هیچ‌کاری نتوانیم باید سلاح‌شان را تأمین کنم. سرودهای

این شاعر حماسی که طرفدارانی در صفحات اجتماعی دارد، اخیراً در پیوند به افزایش حملات طالبان در افغانستان و سقوط برخی ولسوالی‌ها، در صفحه فیسبوکش نوشته بود که تازه ترین کتابش را در بدل اسلحه به فروش می‌رساند؛

راهبرد بایدن در افغانستان؛ مسوولیت منطقه و فرصت جدید

نظری بریانی روزنامه‌نگار

سخنرانی ویژهٔ ویدئو بایدن جمعه شب در امریکا در خصوص افغانستان، راهبرد آیندهٔ امریکا در قبال افغانستان را روشن ساخته است. واپسین بیانیۀ بایدن در قبال افغانستان، پس از خارج شدن ۹۰ درصد از نیروهای امریکایی از این کشور بیانگر آن است که جایگاه افغانستان در سیاست خارجی امریکا به شکل قابل تأملی تغییر یافته است.

چنانکه پس از پیروزی جو بایدن به ریاست جمهوری امریکا، روند خروج سربازن امریکایی از افغانستان شدت گرفت و ۹۰ درصد به صفر رسیده است. فقط سفارت امریکا در کابل شاهد حضور سربازان این کشور است. به تبعیت از امریکا، سربازان دیگر کشورهایی حامی امریکا هم عزم خروج کردند و اینک افغانستان در مرحلهٔ جدیدی از سیاست امریکا یا راهبرد بایدن قرار گرفته است.

اگرچه هنوز چیزی رسماً به عنوان راهبرد بایدن اعلام نشده است؛ اما ادامهٔ راهبرد اوباما و ترامپ را می‌شود اکنون به عنوان راهبرد بایدن حساب کرد. زیرا بایدن یکی از کسانی بود که با خروج امریکا از افغانستان در سال ۲۰۱۱ که معان رییس جمهور اوباما بود، موافقت کرد و حتا این نظریه را در آن کشور مطرح کرده بود. بنابراین ما اکنون سردرگمی و دغدغه‌ها در خصوص فهم رویکرد و راهبرد جدید امریکا یا رهبرد بایدن برای افغانستان و حوزهٔ ژئوپلیتیک آسیا قرار گرفته ایم.

چنانکه میدانید، همزمان با اعلام راهبرد آسیا محور امریکا که توسط اوباما در سال ۲۰۱۱و بعدا توسط ترامپ در ۲۰۱۸ و اکنون توسط بایدن در ۲۰۲۱ در افغانستان عملی شده است، از واشنگتن تا مسکو و از اروپا تا آسیا، کشورهای مختلف به شمول بازیگران پیرامون افغانستان، واکنش‌های تُند و فرایت‌های متفاوت در برابر آن نشان دادند؛ اما موضوعی که کمتر مورد توجه پژوهش‌گران در چارچوب راهبرد امریکا قرار گرفت، تأثیر آن استراتژی روی سرنوشت آیندهٔ گفت‌وگوهای صلح دولت افغانستان با طالبان بود که اکنون در یک وضعیت جدید، با سراسیمگی مورد توجه همه طرف‌ها قرار گرفته است؛ یعنی تبعات استراتژی اوباما که در دوران ترامپ نمایان شده است بود، اکنون در دوران بایدن مشهود شده است و پیچیده

آخرم را که چاپ خواهند شد، هر جلد را در بدل یک میل اسلحه به حراج می‌گذارم. کسانی که امکانات بیش‌تر دارند، می‌توانند بیش‌تر کمک کنند. کسانی‌که توان پرداخت پول سلاح را ندارند، می‌توانند مطابق به توانایی خود همکاری کنند. موقعیت حساس است، در این موقعیت حساس عزت و اقتدار یک سرزمین در خطر است. طالب یک ماشین جنگی‌ست، در برابر این ماشین جنگی باید وسائل جنگ را تامین کرد. این کمک تو شاید سبب شود که عزت مردمی حفظ شود. مردم تحت حاکمیت غنی در بسیاری مناطق نان کافی هم ندارد. بنأ وقتش است که مساعی مشترک عملی داشته باشیم. تمام کمک‌ها در یک برنامه شفاف به جهات ضد طالب رسانده خواهد شد.

اما این شاعر که بیشتر اشعاری در وصف ایستاده گی و مبارزه می‌سراید، در تازه‌ترین پستش در همین مورد واکنش نشان داده و گفته است که بعد از فراخوان او فقط ده تن حاضر شده اند که در برابر یک کتاب یک میل اسلحه بدهند.

او در صفحه فیسبوکش نگاشته است که «از جمع ۱۱۲هزار دنبال‌کننده صفحه‌ام، از جمع هفتادهزار دنبال‌کنندهٔ پروفایلم و از جمع ۱۵۰۰ «فرد» هایم، کم‌تر از ۱۰نفر تا فی‌الحال حاضر شده‌اند در بدل یک جلد کتاب «یک کلاشینکوف» بدهند. از جمع این ۱۰بزرگوار، بسیار ممکن است ۵تن آن نیز صرف‌نظر کند یا بهانه بیآورند. با همین وضعیت، تماشگرگی و بی‌تفاوتی، حق‌مان است که در برابر طالب شکست بخوریم یا ولایت‌ها و ولسوالی‌های

گی‌های روند صلح در افغانستان را برجسته کرده است.

در ترمینولوژی و مطالعات جنگ و صلح افغانستان، همواره سه‌گزینهٔ اساسی در برخورد با طالبان، روی میز بازیگران و کُنش‌گران داخلی و خارجی حک شده اند و این گزینه‌ها به ترتیب، روند‌گفت‌وگوهای صلح دولت با طالبان را در یک وضعیت سیال و فصلی پیچانیده است. گزینه نخست؛ تامین صلح در افغانستان با قلع و قمع و نابودی مطلق طالبان با استفاده از ابزار نظامی(رویکرد جنگ–جنگ). گزینه دوم؛ رفتن طرفین منازعه به میز گفت‌وگوهای صلح با میانجگیری طرفین ثالث و با به‌کارگیری ابزار دیپلوماسی(رویکرد صلح–جنگ) و گزینه سوم؛ گفت‌وگو و مذاکرهٔ مستقیم با دولت پاکستان به جای تحریک طالبان در آوردن صلح به افغانستان (رویکرد پاکستان‌محور). اما در این مدت، هر سه‌گزینهٔ فوق که در

مقاطع مختلف لباس عملیاتی به تن کرده اند، جز ایجاد بُن‌بست در گفت‌وگوهای صلح و تداوم بی‌ثباتی در کشور، ثمره‌یی به بار نیاورده است و افغانستان هنوز هم در مرحلهٔ اول روند صلح (صلح‌سازیPeace Making) توقف یافته است.

اکنون با خروج کامل نیروهای امریکایی، در واقع بخش مهم و اساسی راهبرد آسیایی امریکا عملی شده است، افغانستان در وضعیت جدید قرار گرفته است حالا هرسه گزینه به ساختن صلح در افغانستان تغییر کرده است؛ زیرا اکنون وضعیت بازیگران منطقه فرق کرده است و روشی که طالبان اختیار کرده‌اند بیم‌های بیشتری برای منطقه خلق شده است و این روندهای ابتدایی دست یافتن به اساسات صلح سازی را به اساس روی‌کردهای پیشین ما مورد تهدید قرار بگیرد.

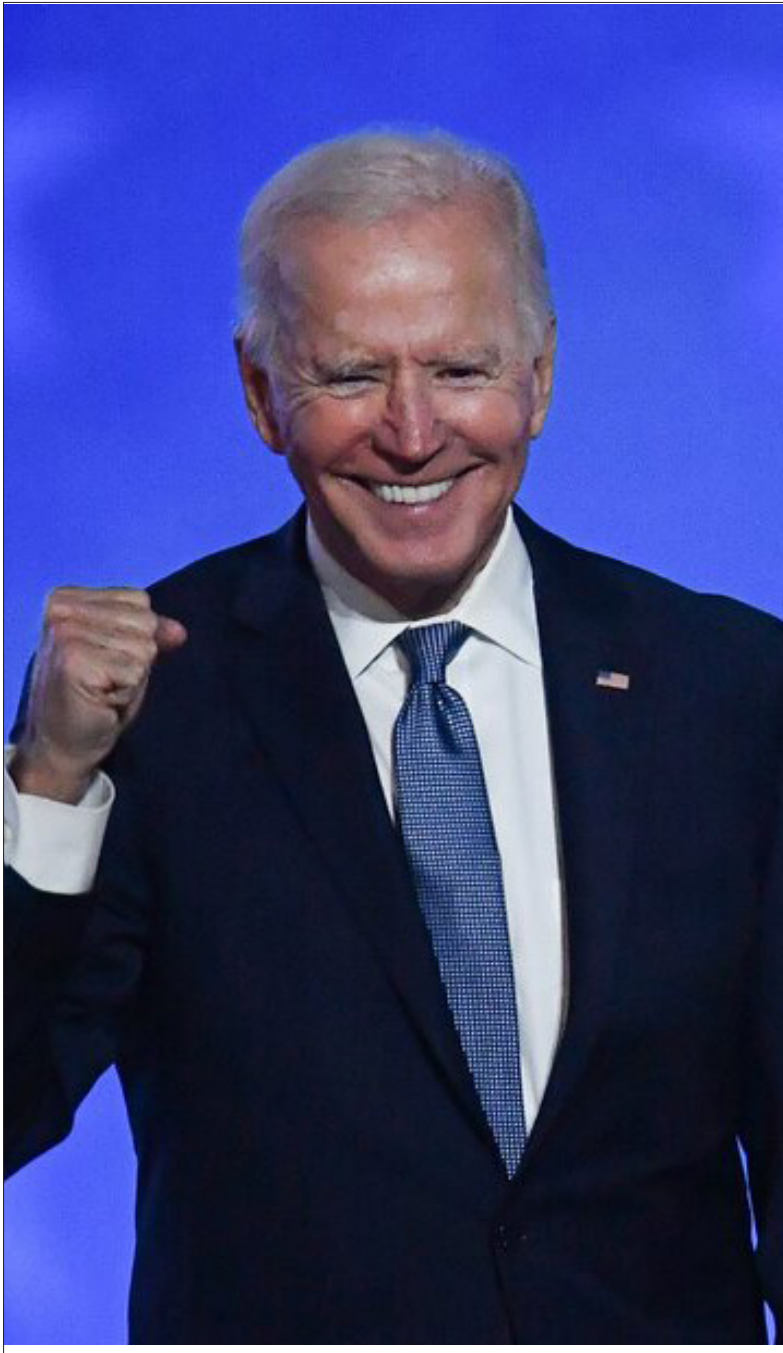
او در ادامه واکنشش نوشته است که ای‌کاش به‌جای شعر، تجارت می‌کردم. ای کاش به‌جای مبارزه اجتماعی، جاسوس یک کشور می‌بودم، ای کاش یک درصد سرمایه‌های سیاه این جماعت بزدل را می‌داشتم؛ آن‌گاه این‌گونه درد محرومیت و تهدید طالب را متحمل نمی‌شدم. من در این راستا جدی هستم، اگر شعر من نتواند حداقل جبهه‌یی را در برابر طالب ایستاد کند، دیگر آن را نمی‌نویسم و تمام کتاب‌هایم را در حضور رسانه‌ها آتش می‌زنم.

او در ادامه آورده است: «وقتی عملیات احمدشاه مسعود بزرگ برای ادبیات بود، چرا ادبیات ما نمی‌تواند حمایت‌گر عملیات باشد؟ همت داشته باشید و سیل‌بینی نکنید. هرکسی در هرکجایی که هستیم، کار عملی کنیم. مقاله‌نویسی، شعرخوانی، داستان‌نویسی، هنر، سینما، رسانه و جامعه‌ی مدنی وقتی معنا و لذت دارد که آزاد باشیم.

او در ادامه با انتقاد سخت از طالبان گفته است که اگر من و شعرم و کتابم مبارزه عملی با این گروه نتواند، دیگر نمی‌سرایم. من این نوشته‌ها را به‌خاطر لایک و کامنت نمی‌گذارم، وقتش است که عمل کنیم.

همه چه در داخل و خارج بسیج شویم و نگذاریم با سرنوشت ما و کشور ما معامله شود.

مایوس شدم، کتابی که یک اسلحه نیرزد، به درد هیچ تمدنی نمی‌خورد. اگر این کارزار ناکام بماند، دیگر نمی‌نویسم و با سوزاندن آثارم با دنیای شعر و ادبیات برای همیشه خداحافظی می‌کنم.

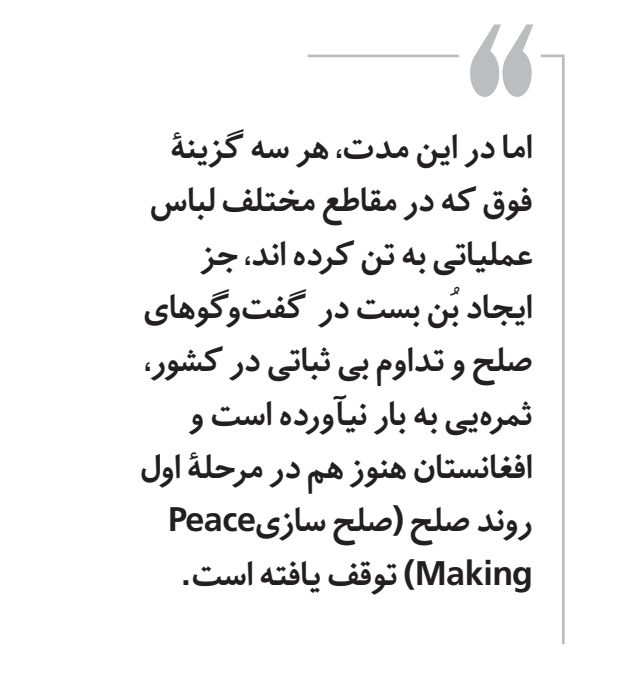


دچار اشکال می‌کند.

بنابراین جهانی که به سان افغانستان از جنگ در این کشور زبان می‌ببند باید به این نکته توجه کند که رها کردن افغانستان در وضعیتی که یکی از طرف‌ها خواب پیروزی بر دیگری را ببینند به صلح‌سازی منجر نمی‌شود و باید جهان به خصوص کشورهای مهم منطقه و همسایگان افغانستان وضعیت امروز و فردای افغانستان

را در نظر داشته فرصتی را بر شکل یافتن تحرکات جدید به هدف توقف آنی جنگ و تلاش برای رسیدن به اجماعی برای صلح افغانستان روی دست گیرند؛ زیرا در راهبرد امریکا که خروج سربازان آن کشور از افغانستان اصل بوده است، دولت سازی و ملت‌سازی و صلح‌سازی همانگونه که جوبایدن بارها و در آخرین سخنرانی اش مطرح کرده است، جایی نداشته است.

پس این فرصت، برای افغانستان و منطقه مساعد شده‌است که در افغانستان پسا امریکا، جای منافع خودشان را از نو به ارزیابی بگیرند و برای ساختن صلح سازی و دولت سازی در افغانستانی که می‌تواند آب و آتش آن بر دیگران گرما و سرما ایجاد کند، بیاندیشند. زیرا اکنون بعد از بیانیۀ پایانی بایدن در خصوص افغانستان، معلوم شده است که امریکا قسماً از دولت موجود افغانستان حمایت می‌کند به همان پیمانۀ تعهداتی هم به طالبان گذشته است که نتیجۀ آن نتوانسته است به صلح‌سازی وملت‌سازی در افغانستان منجر شود. بنابراین، اکنون فرصت آن است که افغانستان روی ساختن بسترهایی برای اعتمادسازی داخلی به هدف تغییر وضعیت موجود کار کند و در کنار آن بایستی کشورهای همسایه و منطقه در خصوص افغانستان به اجماع برسند تا در محور آن، اجماع



بین المللی نیز به وجود بیاید؛ زیرا اکنون بعد از امریکا، این کشورهای منطقه و همسایه ما هستند که بیشتر به افغانستان دلسته می‌شوند و دلگیر وضعیت ما خواهند بود؛ چنانکه همین اکنون واکنش‌های قدرت‌ها و کشورهای منطقه‌ای آن را برجسته می‌کند؛ چیزی که باری دیگر برای افغانستان فرصت‌های جدید را فراهم می‌کند.

نیاز برخورد نظامی دولت با تخریب‌گران پایه‌های برق

گزارش ماندگار

گرفته‌اند. عجیب‌ترین مساله این است که در یک سال گذشته بیشتر پایه‌های برق در مناطقی تخریب می‌شوند که هم امن هستند و هم زیر نفوذ مستقیم طالبان نیستند. مناطق شمالی که از پشت دروازه‌های کابل آغاز و تا استان بغلان امتداد دارد، بیشترین سهم را در تخریب پایه‌های برق داشته است. این مناطق از امن‌ترین مناطق افغانستان به حساب می‌آیند.

زیرا با سرازیر شدن میلیاردها دالر پول برای بازسازی افغانستان، تقویت زیرساخت‌ها و ایجاد تسهیلات زنده‌گی، جزو اولویت‌های دولت افغانستان شد. اما در حوزه انرژی کار بنیادین صورت نگرفت. دولت به‌جای ساختن بندهای برق اقدام به خرید برق از کشورهای همسایه کرد و همین امر سبب شده است که مردم افغانستان گاهی به دلیل ساکت کردن برق از منبع بی برق شوند و گاهی هم به دلیل تخریب پایه های برق به تاریکی خو کنند.

این وضع مثال کل دست آوردهای مردم افغانستان است که ممکن است که با یک سویچ زدن از بین برود. چنانکه در نبود برق دست رسی به انترنت رسانه و تحصیل و آموزش آنهم در شرایط کرونایی که باید آنلاین صورت گیرد و حتا مهم‌تر از آن نیاز بیماران کرونایی به برق و اکسیژن را بیشتر میرساد، همه دست‌آوردهای مورد نیاز قطع می‌شود و این‌گونه قطع برق هر ازگاهی نوید بدی به بار می‌آورد که ممکن است روزی دست آوردهای کشور این‌گونه در یک لحظه از بین برود. زیرا هیچ چیزی بر بنیاد یک زیر بنا در این کشور ساخته نشده است و همه چیز ظاهری، امانتی و قرار دادی است.

این وضع مثال کل دست آوردهای مردم افغانستان است که ممکن است که با یک سویچ زدن از بین برود. چنانکه در نبود برق دست رسی به انترنت رسانه و تحصیل و آموزش آنهم در شرایط کرونایی که باید آنلاین صورت گیرد و حتا مهم‌تر از آن نیاز بیماران کرونایی به برق و اکسیژن را بیشتر میرساد، همه دست‌آوردهای مورد نیاز قطع می‌شود و این‌گونه قطع برق هر ازگاهی نوید بدی به بار می‌آورد که ممکن است روزی دست آوردهای کشور این‌گونه در یک لحظه از بین برود. زیرا هیچ چیزی بر بنیاد یک زیر بنا در این کشور ساخته نشده است و همه چیز ظاهری، امانتی و قرار دادی است.

انتظار این است که دولت در سیاست جزایی اش در قبال تخریب‌گران پایه های برق به شکل جدی و همسان گروه های جنگی عمل کند و به کسانی که پایه های برق را منهدم می‌کنند، فروگذاشتی نداشته باشد و باید نهادهای امنیتی در قدم اول در شناسایی عاملان این رویدادها به شکل خاص و بنیادین عمل کنند.

هرات و فرصت‌هایی که نقش چالش را بازی می‌کند

هرات و دو بندر اقتصادی مهم؛ یکی از عواملی که اهمیت هرات را برای افغانستان و کشورهای همسایه افزایش می‌دهد،

ملا عبدالسلام ضعیف که خود از اعضای اصلی طالبان در زمان حاکمیت آنان بوده است، در کتاب (از قندهار تا مزار) به اهمیت تصرف هرات در تقویت اقتصاد طالبان اشاره می‌کند. هرات می‌تواند نیمی از منابع اقتصادی دولت را تامین کند، به همین جهت برای دولت مرکزی، امنیت این ولایت از اهمیت زیادی برخوردار است، از سویی مخالفان دولت، در پی آن هستند تا با نامن کردن هرات، به اقتصاد دولت مرکزی ضربه بزنند.

چنانچه پس از آتش‌سوزی گسترده در بندر اسلام قلعه‌ی هرات در بیست و پنجم دلو سال پار، بسیاری از تحلیلگران احتمال عمده بودن این حادثه برای ضربه به اقتصاد دولت مرکزی از سوی مخالفان دولت را مطرح کردند. به همین بند سلما در هرات خود یکی از فاکتورهایی است که بر امنیت این ولایت تاثیر بسزایی دارد. بارها و بارها طالبان و شورشیان تلاش کرده‌اند تا با ایجاد ترس و وحشت در بند سلما، مانع تکمیل شدن این بند شوند.

در بیست و هفتم جوزای سال روان نیز برخی منابع امنیتی از افزایش تهدیدات امنیتی در ولسوالی چشت و اطراف بند سلما خبر دادند. برعلاوه ولسوالی چشت که بند سلما در آن قرار دارد، پانزدهم سرطان سال جاری به دست طالبان سقوط کرد.

گزارش‌های متعددی می‌رساند که طالبان از چند ماه بدین سو تلاش داشتند تا ولسوالی چشت را تصرف کنند. تلاش مستمر طالبان برای سقوط این ولسوالی، خود نشان‌دهنده اهمیت این ولسوالی برای مخالفان دولت است. با توجه به فاکتورهایی که در مورد اهمیت هرات گفته شد، می‌توان به خوبی دریافت که همین اهمیت، باعث جلب توجه و ایجاد ناامنی از سوی مخالفان دولت شده و باید پالیسی‌های امنیتی مشخص و کارآمدی برای مقابله با ناامنی در این ولایت گرفته شود.



آن شده است که ولایت با چالش‌های متعدد امنیتی مواجه شود. با مروری بر تاریخ نیز می‌توان به این نتیجه رسید که امتیازات این ولایت، باعث دردهایی برای ساکنین محلی آن شده است. به عنوان مورد تاریخی، می‌توان به تصرف هرات در سال ۱۹۹۵ از سوی طالبان اشاره کرد. طالبان قیل از تصرف کابل، به تصرف هرات توجه کردند. علت این توجه هم برخورداری ولایت هرات از دو بندر اقتصادی بود؛ بنداری که می‌توانست اقتصاد طالبان را تمویل کند. چنانچه

تامین می‌شوند.

- نقطه‌ی اتصال غرب آسیا و آسیای میانه؛ ولایت هرات دارای موقعیتی ژئواستراتژیک است. این ولایت از سمت شرق به ایران متصل است و از سمت شمال به ترکمنستان، به همین جهت نقطه‌ی اتصال میان ایران و ترکمنستان، و به تعبیری نقطه‌ی اتصال میان غرب آسیا و آسیای میانه است. این ولایت می‌تواند کانالی برای انتقال مواد خام اولیه از آسیای میانه، به ایران باشد و از این جهت، دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است.
- هرات و بند سلما؛ بند سلما که سدی بر هریرود است، در ولسوالی چشت ولایت هرات موقعیت دارد. این بند در سال ۱۳۹۵ به بهره‌برداری رسید. بند سلما در سال‌های اخیر محراق توجه گروه‌های مختلف از جمله طالبان بوده و بارها و بارها، مورد حمله قرار گرفته است. این سد از آن جهت که بر روی هریرود است، می‌تواند باعث کاهش انتقال آب به مرزهای شرقی افغانستان بشود.

ایجاد اهمیت هرات از دیدگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکانامیکی باعث

سعید حقیقی

روزنامه‌نگار

تحلیل

ولایت هرات در غرب افغانستان به دلایل متعددی جایگاه ژئواستراتژیک و ژئواکانامیکی مهمی دارد. عوامل متعدد دست به دست هم داده و اهمیت این ولایت را متبازر ساخته است، اما به همان اندازه که این ولایت اهمیت دارد، به همان اندازه محراق توجه کشورهای منطقه و بازی‌گرانی است که از ناامنی این ولایت سود می‌برند. در ادامه تلاش شده است تا به ابعاد اهمیت این ولایت از دیدگاه استراتژیک و اقتصادی پرداخته شده و سپس ناامنی‌ها در ولایت هرات، با توجه به همین ابعاد اهمیت تبیین شود.

هرات و دو بندر اقتصادی مهم؛ یکی از عواملی که اهمیت هرات را برای افغانستان و کشورهای همسایه افزایش می‌دهد، این است که این ولایت دارای دو بندر اقتصادی مهم اسلام قلعه و تورغندی است. بندر اسلام قلعه هرات را به ایران وصل می‌کند و بندر تورغندی، نقطه‌ی اتصال هرات و ترکمنستان است. افغانستان دارای هفت بندر است که دو بندر آن در هرات موقعیت دارد، این مساله باعث اهمیت جایگاه اقتصادی این شهر برای اقتصاد افغانستان شده است، به گونه‌ای که بنابر آمار مرکز احصائیه‌ی افغانستان، نزدیک به نیمی از عواید دولتی افغانستان از بندر هرات

آزمون دفاع مستقلانه و نیاز حمایت‌های مردمی

تحلیل

ماندگار



اخیراً طالبان همه روزه به چند ولسوالی دست می‌بندد بی آنکه در برخی از ولسوالی‌ها به گونه جدی با این گروه جنگ صورت گیرد. در همین حال، در برخی ولسوالی‌ها هم مقاومت در برابر طالبان صورت گرفته است و با آنهم نیروها بعد از نرسیدن امکانات لازم به عقب‌نشینی رفته‌اند. اکنون با افزایش ساحات زیر کنترل طالبان و بیجا شدن و کوچ دادن مردم و فرار آنان از آن ساحات، نگرانی عمومی برانگیخته شده است. در کنار این

نگرانی، هزینه‌های مواد اولیه بالا رفته و قیمت ارز به خصوص دالر افزایش یافته است. این تغییر در وضعیت سبب شده است که بسیاری‌هایی که دست شان به سرشان میرسد به فکر بیرون شدن از کشور شده اند.

این همه همزمان با خروج سربازان امریکایی از افغانستان اتفاق افتاده است و به نظر میرسد که طالبان در چنین فرصتی تلاش دارند که به ساحات بیشتری در کشور دست یابند. دولت هم به دلایلی هنوز به گونه فعال در برابر این اقدامات طالبان عمل نکرده است و همین امر سبب گمانه زنی‌هایی شده است.

اما دولت حد اقل به گونه رسمی گفته است که تا کنون نیروهای امنیتی افغانستان به حالت دفاع به سر می‌برند و عقب‌نشینی‌هایی که صورت می‌گیرد تاکتیکی است.

با اینحال نیروهای دفاعی و امنیتی و کشور سرگرم مبارزات خویش اند و اخیراً در جبهات جنگ توانسته اند که طالبان را به عقب بکشانند. اما در یک شرایط جنگی مهم این است که دولت افغانستان نخستین بار تجربه عمل در برابر طالبان را بدون سایه حمایتی امریکا دارد.

ممکن است که امریکایی‌ها یا تغییر سیاست شان بعد از خروج، علاقمندی به دخالت در امور جنگ افغانستان نداشته باشند و در چنین حالتی حکومت

موجود خود تجربه تازه دفاع مسقلانه را به پیش گیرد. شاید یکی از دشواری‌ها این است که دولت افغانستان هر گز فکر نمی‌کرد که روزی امریکایی‌ها واقعا آنان را در میدان جنگ در برابر طالبانی که با امریکایی‌ها توافق نامه آشتی امضا کرده است، تنها بگذارد. اما اکنون در عمل معلوم شده‌است که بازی تغییر کرده است و نهادهای امنیتی بایستی در میدان‌های جنگ مسوولیت دفاع مستقلانه را به دوش بکشند. زیرا خروج امریکایی‌ها از افغانستان به خصوص از بگرام ثابت کرده است که این کشور به جنگ افغانستان در یک راهبرد کلان پشت می‌کند و این دولت افغانستان است که با وجود همه چالش‌هایی که دارد باید در برابر طالبان آزمون پس بدهد.

به همین دولت با توجه به تغییراتی که در سطوح رهبری وزارت خانه‌های دفاع و داخله آورده است و نیز غافلگیر شدن در یک وضعیت غیر قابل پیشبینی، آزمون سختی را به عهده دارد تلاش خواهد کرد تا از پس آن به درستی بر بیاید.

به همین دلیل انتظار می‌رود که نهادهای امنیتی در روزهای آینده سیاست دفاع و عقب‌نشینی تاکتیکی را به سیاست هجوم بر طالبان تغییر دهند و این ممکن است که وضعیت را تا حدی در برخی از مناطق به سود دولت تغییر دهد. اما در وضعیت کنونی نیاز است که مردم به حمایت نهادهای امتی کشور توجه کنند و نباید اتفاق های شب و روزهای اخیر سبب ضعیف نشان دادن روحیه نهادهای امنیتی و دفاعی گردد.

رییس جمهور غنی در خوست:

در برابر آنهایی که نظام را از داخل تخریب می‌کنند از این پس تحمل نداریم

رییس جمهوری غنی، در نشست که به هدف افتتاح میدان هوایی خوست در آن ولایت راه‌اندازی شده بود طی صحبتی با مسوولین و مردم آن ولایت گفت: «کسانی که نظام را از داخل تخریب می‌کنند، مورد تحمل نیستند و با آنان برخورد می‌شود».

آقای غنی، دیروز در این نشست گفت: کسانی که کسانی از داخل نظام را تخریب می‌کنند، دیگر مورد تحمل نیستند و کسانی که میدان را خالی می‌کنند و فرار می‌کنند اگرچه ما آنان را روی سیاه و سرچپه به خر سوار نمی‌کنیم اما نزد مردم افغانستان روی سیاه هستند.

آقای غنی این سخنان را در حالی بیان کرد که اخیراً امرالله صالح معاون اول ریاست جمهوری در یک تماس تلفنی، ظاهر نایب زاده، نماینده ولایت بادغیس را، خاین خطاب کرده و او را به واگذاری مناطقی در بادغیس به طالبان متهم نموده است.

این گفت‌وگوی صالح در صفحات اجتماعی زیاد پخش شده است.

به دنبال این صحبت تلفنی، خانه این نماینده مجلس به محاصره پولیس درآمده است. اگرچه آقای نایب‌زاده در یک پیام تصویری این اتهامات را رد کرده است.

در کنار این مساله، اخیراً ده ها ولسوالی در کشور بدون جنگ به طالبان واگذار شده است و شماری از مقامات نظامی و امنیتی در برخی ولسوالی‌ها به طالبان تسلیم شده اند.

این در حالی است که شماری از منتقدان حلقاتی را در حکومت به معامله و تسلیم دهی مناطق به طالبان متهم میکنند. سخنان دیروز رییس جمهوری غنی درخوست به همین دو نکته اشاره داشته است.



اردوغان: امنیت فرودگاه کابل را به بهترین شکل به عهده می‌گیریم

رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه تایید کرده که نظامیان این کشور حفاظت از فرودگاه بین‌المللی کابل را پس از خروج نیروهای ناتو از افغانستان برعهده خواهد گرفت.

به گزارش رسانه‌های ترکیه، آقای اردوغان روز گذشته گفت که «در گفتگوها با ناتو و آمریکا مشخص شده که ما کدام مسوولیت‌ها را برعهده خواهیم گرفت، و ما این گام را به بهترین صورت خواهیم گرفت.» اوایل هفته جاری مقام‌های دولت افغانستان نیز از برنامه حفاظت ترکیه از فرودگاه کابل حمایت کرده و گفته بودند که حضور ترکیه در فرودگاه کابل در برابر حملات احتمالی طالبان بازدارنده خواهد بود.

دو روز پیش، جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا گفت که تا آخر ماه آگست نیروهای امریکایی پس از ۲۰ سال به طور کامل از افغانستان خارج می‌شوند.

به این منظور ترکیه برای این ماموریت پهبادها، تجهیزات دفاعی و سربازان بیشتری به افغانستان می‌فرستد.

رسانه‌های ترکیه گزارش داده‌اند که ترکیه ممکن است از مجارستان و پاکستان برای کمک به این ماموریت درخواست همکاری کند.

یک مقام ارشد ترکیه به رسانه‌ها گفته که «هنوز روشن نیست که کی‌ها به این ماموریت خواهند پیوست». او افزوده که «برخی کشورهایی که در افغانستان نیستند، علاقمند مشارکت هستند یا کشورهایی که می‌خواهند ماموریت‌شان را در افغانستان تمدید کنند.»

ماه گذشته، در دیدار اردوغان و بایدن در نشست سران اعضای ناتو در بروکسل موضوع واگذاری امنیت فرودگاه کابل به ترکیه میان رهبران آمریکا و ترکیه صحبت شده بود. امنیت فرودگاه کابل برای تداوم فعالیت سفارت‌ها و نمایندگی‌های بین‌المللی حیاتی است، در حالی که اخیراً ارتش افغانستان در برابر پیشرفت‌های طالبان، بدون مقاومت جدی از بیشتر از ۱۵۰ ولسوالی عقب‌نشینی کرده اند.

ترکیه از سال ۲۰۱۳ در کار تامین امنیت این فرودگاه همراه با سربازان امریکایی و ناتو فعال بوده است. گروه طالبان قبلاً گفته است که به تمام دیپلمات‌ها و کارمندان موسسات غیردولتی در افغانستان اطمینان می‌دهد که مورد حمله قرار نخواهند گرفت اما حضور نیروی نظامی هیچ کشور خارجی را قبول نخواهد کرد.

به گزارش رسانه‌های ترکیه، ماه گذشته آمریکا و ترکیه توافق کردند که تحت شرایطی تامین امنیت فرودگاه کابل به ترکیه واگذار شود.

از جمله شرایط این است که آمریکا حمایت‌های اطلاعاتی و نظامی و مالی را فراهم می‌کند و ترکیه نیز نظامیان بیشتری را در صورت نیاز به افغانستان بفرستد.

بنا به توافقی که ترکیه با آمریکا و ناتو کرده، ترکیه درگیر هیچ نوع عملیاتی در خارج از محوطه فرودگاه کابل نمی‌شود.